

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز

سال چهارم شماره ۱۶ زمستان ۱۳۸۸

بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج

دکتر رضا خجسته‌مهر - استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران
امین کرای - کارشناس ارشد مشاوره خانواده
دکتر غلامرضا رجبی - استادیار دانشگاه شهید چمران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیشنهاد مدلی از پیشایندها و پیامدهای مهم گذشت در جهت شناخت بهتر و کامل‌تر مفهوم گذشت می‌باشد. نمونه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۲۴۵ نفر مرد و ۲۴۷ نفر زن بودند که از بین والدین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز با روش تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس گذشت صفت (TFS)، مقیاس اسناد ارتباطی (RAM)، شاخص کیفیت ازدواج (QMI)، مقیاس صفات همدلی باتسون (BEA)، خرده‌مقیاس نگرش مذهبی پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ (ENRICH)، پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) و خرده‌مقیاس خشم فهرست تجدیدنظر شده‌ی علائم روانی SCL۹۰-R

می‌باشند. برای ارزیابی مدل پیشنهادی از روش الگویابی معادلات ساختاری (SEM) و بر اساس نرم‌افزار AMOS ویرایش ۷ استفاده شد. مدل ارزیابی شده از شاخص‌های برازندگی خوبی برخوردار بود. بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری کیفیت مثبت زناشویی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی و مسؤولیت‌پذیری باعث افزایش گذشت می‌شود. اسنادهای علی نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای مسؤولیت و همدلی موجب ارتقای گذشت می‌شود. اسنادهای مسؤولیت نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه‌ی همدلی باعث افزایش گذشت می‌شود. همدلی نیز به صورت مستقیم باعث افزایش گذشت می‌شود. نگرش‌های مذهبی نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق اسنادهای مسؤولیت باعث ارتقای گذشت می‌شود. گذشت نیز باعث افزایش سلامت روانی و کاهش پرخاشگری در میان همسران می‌شود. مضامین درمانی و آموزشی نتایج و مدل ارائه شده توسط پژوهش حاضر به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: گذشت، کیفیت زناشویی، همدلی، نگرش مذهبی، پرخاشگری و ازدواج.

گذشت مجموعه‌ای از تغییرات انگیزشی در فرد آسیب‌دیده است که طی آن انگیزه‌های انتقام‌جویی نسبت به آسیب‌رسان و اجتناب از آسیب‌رسان کم می‌شود و فرد آسیب‌دیده آرزوی خوشی، حسن‌نیت و انگیزش خود را جهت مصالحه با آسیب‌رسان افزایش می‌دهد. در گذشت یک آسیب یا بی‌عدالتی رخ داده اما آسیب‌رسان از دین اخلاقی نسبت به قربانی خارج می‌شود (مک‌کلوگ^۱، وورثینگتون^۲ و راشال^۳، ۱۹۹۷). اگر گذشت را فقط به عنوان کاهش انگیزه‌های منفی در نظر بگیریم، نشان‌دهنده‌ی این

1- Mc Cullough
3- Rashal

2- Worthington

است که ماهیت گذشت را در نظر نگرفته‌ایم. بسیاری از فلاسفه، گذشت را به عنوان یک مفهوم پایه در نظر می‌گیرند؛ "یک نگرش خیرخواهانه‌ی واقعی نسبت به آسیب‌رسان به عنوان یک انسان". همین بعد خیرخواهانه است که گذشت را به عنوان یک سازه در روانشناسی مثبت‌گرا قرار می‌دهد (هولمگرین^۱، ۱۹۹۳، به نقل از کوک^۲، ۲۰۰۶).

وورثینگتون (۱۹۹۸) گذشت را به عنوان یک عمل خیرخواهانه تعریف می‌کند که در آن فرد آسیب‌دیده احساس عزت‌نفس را ذخیره‌سازی مجدد می‌کند، درحالی که به عزت‌نفس فرد دیگر هیچ آسیبی وارد نمی‌کند. او معتقد است که گذشت هم یک تصمیم و هم یک تغییر واقعی در تجربه‌ی عاطفی افراد است که این تغییر در عواطف یا هیجانات با سلامت جسمی و روانی رابطه دارد.

انرایت^۳ و گروه پژوهشی رشد انسانی^۴ (۱۹۹۴) معتقد هستند گذشت یک آگاهی در فرد است که باعث می‌شود فرد دورشدن از درد، آسیب، آرزوی انتقام‌گرفتن و نفرت ناشی از یک خیانت، توهین، بی‌عدالتی یا آسیب عمیق را انتخاب کند. گذشت شامل یک اشتیاق به دیدن آسیب و آسیب‌رسان در یک بافت بزرگ‌تر است که با جایگزین کردن عواطف منفی با شفقت و بردباری همراه است.

در گذشت انگیزه‌ی کمتری برای اجتناب یا انتقام‌جویی علیه آسیب‌رسان وجود دارد. گذشت کردن معمولاً در روابطی روی می‌دهد که در آن تعهد، رضایت و رابطه‌ی نزدیک وجود دارد. در روابط صمیمی، احتمال بیشتری می‌رود که آسیب‌رسان به خاطر اشتباه خود عذرخواهی کند. به‌علاوه روابط صمیمانه باعث رشد همدلی نسبت به آسیب‌رسان می‌شود (مک‌کلوگ، راشل، سانداچ^۵، وورثینگتون، براون^۶ و هایت^۷، ۱۹۹۸).

1- Holmgreen
3- Enright
5- Sandage
7- Haight

2- Cooke
4- The Human Development Study Group
6- Brown

گذشت کردن در روابط ضروری است، زیرا آسیب‌ها و تخطی‌های اجتناب‌ناپذیر را نشان می‌دهد. این نقش گذشت در روابط مختلف متفاوت است و به روابطی که در موقعیت حاضر بین دو نفر جریان دارد، بستگی دارد (وورثینگتون، ۲۰۰۵). در روابط بی‌ثبات که بین افراد غریبه وجود دارد، احتمالاً آسیب‌هایی که رخ می‌دهند به صورت زودگذر هستند، چرا که پیوندهای کمی وجود دارد که این افراد را با هم نگه دارد و احتمالاً این آسیب‌ها تأثیرات مهمی بر زندگی آن‌ها ندارد (کوک، ۲۰۰۶). در روابط باثبات مانند روابط بین زوجین صمیمی، اعضای خانواده یا دوستان، احتمال دارد که آسیب‌های جزئی بیشتری رخ دهد، چرا که ویژگی این روابط، طولانی بودن آن‌ها است. وقوع این آسیب‌های جزئی فراوان می‌تواند موجب فرسایش در روابط باثبات شود (وورثینگتون، ۱۹۹۸).

روابط صمیمانه نیازهای عاطفی عمیق ما را ارضا می‌کنند و همچنین منبعی برای بیشتر آسیب‌های شدید ما هستند. وقتی که یک آسیب رخ می‌دهد، عواطف منفی مانند عصبانیت و کینه که معمول هستند، باعث یک اختلال بالقوه در روابط می‌شوند، یکی از راه‌های حل این چالش گذشت است (وورثینگتون و وات، ۱۹۹۹).

در مواردی که بین همسران آسیب و رنجش رخ می‌دهد، پذیرش مسوولیت آن عمل از سوی فرد آسیب‌رسان (گونزالس^۲، هاجن^۳ و مانینگ^۴، ۱۹۹۴)، اسناد این آسیب به شرایط بیرونی و قضاوت در مورد آن (فینچام^۵، ۲۰۰۰، مک‌کلگ، فینچام و تی‌سانگ^۶، ۲۰۰۳، بون^۷ و سولسکای^۸، ۱۹۹۷، فینچام، هال^۹ و بیچ^{۱۰}، ۲۰۰۵)، احساس همدلی به آسیب‌رسان (مک‌کلگ، اکسلاین^{۱۱} و بامیستر^{۱۲}، ۱۹۹۸؛ زچ‌میستر^{۱۳} و رومرو^{۱۴}،

1- Wade
3- Haugen
5- Fincham
7- Boon
9- Hall
11- Exline
13- Baumeister

2- Gonzales
4- Manning
6- Tsang
8- Sulsky
10- Beach
12- Zechmeister
14- Romero

۲۰۰۲ و مک کلوگ، و همکاران، ۱۹۹۷) و کیفیت رابطه‌ی زناشویی (فینچام، پالیری^۱ و رگالیا^۲، ۲۰۰۲) می‌تواند باعث تقویت انگیزه‌ی گذشت فرد آسیب‌رسان شود. در حالی که تجربه کردن حالت‌های شدید (خشم^۳، تلخکامی^۴ و گمگشتگی^۵) و نشخوارذهنی در مورد آسیب (خصوصیات و انگیزه‌های منفی آسیب‌رسان) باعث افزایش تمایل به انتقام‌جویی می‌شود (وورثینگتون و وات، ۱۹۹۹).

مک کلوگ، راشل، و همکاران (۱۹۹۸) در پژوهش خود تلاش کردند، مشخص کنند چگونه گذشت به‌وسیله‌ی متغیرهای سطح رابطه مانند رضایت، تعهد و صمیمیت؛ متغیرهای سطح آسیب مانند عذرخواهی و اثر آسیب؛ متغیرهای سطح شناختی-اجتماعی مانند همدلی و مشغولیت ذهنی در مورد آسیب پیش‌بینی می‌شود. نتایج نشان داد که صمیمیت رابطه‌ی پیش از آسیب، از طریق ممکن ساختن عذرخواهی و سپس همدلی، گذشت‌کردن را تسهیل کرد. برخلاف پیش‌بینی آن‌ها، مشغولیت ذهنی در مورد آسیب با همدلی نسبت به آسیب‌رسان رابطه‌ای نداشت. بنابراین نقش همدلی به عنوان یک فرایند تسهیل‌کننده‌ی فرایندگذشت در رابطه با متغیرهای سطح آسیب و سطح رابطه مانند معذرت‌خواهی و صمیمیت رابطه‌ای پیش از آسیب لازم است اما در مورد متغیرهای شناختی-اجتماعی مانند مشغولیت ذهنی این رابطه دیده نشده است.

فینچام، پالیری و رگالیا^۲ (۲۰۰۲) به بررسی نقش کیفیت رابطه زناشویی، اسنادها، همدلی و عواطف ارتباطی در گذشت پرداختند. در پژوهش آن‌ها ۱۲۸ زوج ایتالیایی شرکت داشتند که رابطه‌ی زناشویی آن‌ها مدت زیادی دوام یافته بود. آن‌ها نشان دادند که کیفیت رابطه‌ی زناشویی پیش‌بین خوبی برای اسنادهایی است که از طریق کاهش واکنش‌های عاطفی منفی و افزایش همدلی به طور مستقیم و غیرمستقیم، بخشیدن دیگران را تسهیل می‌کند. مدل معادلات ساختاری نشان داد که گذشت نتیجه‌ی یک

1- Paleari
3- anger
5- disorientation

2- Regalia
4- bitterness
6- Regalia

سلسله مراتب علی است که کیفیت مثبت رابطه، اسنادهای علی و مسؤولیت آن را تعیین می‌کند که در حقیقت گذشت از طریق واکنش‌های عاطفی منفی و همدلی هیجانی به طور مستقیم و غیرمستقیم ارتقا پیدا می‌کند. برای جنسیت تفاوت‌هایی در مدل مشخص شد که همسران (زنان) اثرات مستقیم قوی‌تری را در مورد اسنادها بر گذشت نشان دادند. همچنین اثرات مستقیم همدلی بر گذشت برای شوهران (مردان) قوی‌تر بود و رفتارهای همدلانه بر میل به گذشت نسبت به شریک تأثیر بیشتری دارد.

پالیری، رگالیا و فینچام (۲۰۰۵) در پژوهش خود نشان دادند که گذشت می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی را پیش‌بینی کند و همچنین بین گذشت و کیفیت زناشویی در طول زمان، یک رابطه‌ی متقابل وجود دارد. فینچام و بیچ (۲۰۰۷) در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی علی بالقوه بین گذشت و کیفیت زناشویی در زوجین (۹۱ زوج) پرداختند. الگویابی معادلات ساختاری برای بررسی اثرات بین متغیرها به کار رفت. نتایج نشان داد که بین گذشت و کیفیت زناشویی در زنان یک مسیر دوطرفه وجود دارد، درحالی که جهت این رابطه برای مردان فقط از کیفیت زناشویی به گذشت بود.

گورساج^۱ و هائو^۲ (۱۹۹۳) در نتایج پژوهش خود نشان دادند که افرادی که مذهبی‌تر هستند گذشت بیشتری دارد. به نظر آن‌ها ممکن است فرد به وسیله‌ی پیوند مذهبی یا باورهای مذهبی خود برای گذشت کردن تحت تأثیر قرار بگیرد. همچنین شفیلد^۳ (۲۰۰۳) معتقد است فعالیت‌های مذهبی می‌تواند به افزایش توانایی فرد در گذشت دیگران کمک کند. همچنین دولاهایت^۴، مارکس^۵ و گودمن^۶ (۲۰۰۴) معتقدند که گذشت در خانواده‌ها می‌تواند در نتیجه‌ی آموزه‌ها و باورهای مختلف رخ دهد. باتسون^۷ و شوالب^۸ (۲۰۰۶) در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی گذشت و باورهای

1- Gorsuch
3- Sheffield
5- Marks
7- Batson

2- Hao
4- Dollahite
6- Goodman
8- Shwalb

مذهبی پرداختند. شرکت‌کنندگان ۱۳۰ زوج کاتولیک بودند. نتایج نشان داد که سطوح ایمان و گذشت در مردان و زنان مشابه می‌باشد. سطوح بالای ایمان با گذشت بیشتر رابطه داشتند. همچنین باورهای مذهبی و گذشت با دوام زناشویی رابطه داشتند.

خجسته‌مهر، عباس‌پور و رجبی (۱۳۸۶) در پژوهش خود به مقایسه‌ی پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباطات و رضایت زناشویی در کارکنان متأهل پرگذشت و کم‌گذشت اداره‌های دولتی شهر اهواز پرداختند. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که کارکنان متأهل پرگذشت و کم‌گذشت از نظر پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباطات و رضایت زناشویی تفاوت معناداری دارند.

لاولر-روو^۱، کارمانز^۲، اسکات^۳، ادلیس-ماتیت‌یاهو^۴ و ادواردز^۵ (۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان دادند که گذشت می‌تواند بر سلامت فرد گذشت‌کننده مؤثر باشد. همچنین گذشت صفت و گذشت موقعیتی به‌طور منفی با خشم رابطه دارند. کارمانز، وان‌لانگ^۶، اورکرک^۷ و کلور^۸ (۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین گذشت و تعهد تعاملی وجود دارد که بر رضایت از زندگی، عواطف مثبت، و عزت‌نفس تأثیر می‌گذارد. نتایج این پژوهش نشان داد که تمایل به گذشت و تعهد بر سلامت روانی تأثیر می‌گذارند. سیف و بهاری (۱۳۸۲) در پژوهش خود نشان دادند که گذشت توان بالایی در پیش‌بینی سلامت عمومی همسران دارد. گذشت کردن می‌تواند باعث بهبود عملکرد ارتباطی زوجین (گوردون^۹، باکوم^{۱۰} و سنדר^{۱۱}، ۲۰۰۰) و در نتیجه درمان مشکلات روانی زوجین (مالکوم^{۱۲} و گرین‌برگ^{۱۳}، ۲۰۰۰) و در سطح هیجانی باعث کاهش احساسات منفی مانند خشم، نفرت و کینه (ریچاردز^{۱۴}، ۱۹۸۸) شود. مک‌کلوگ،

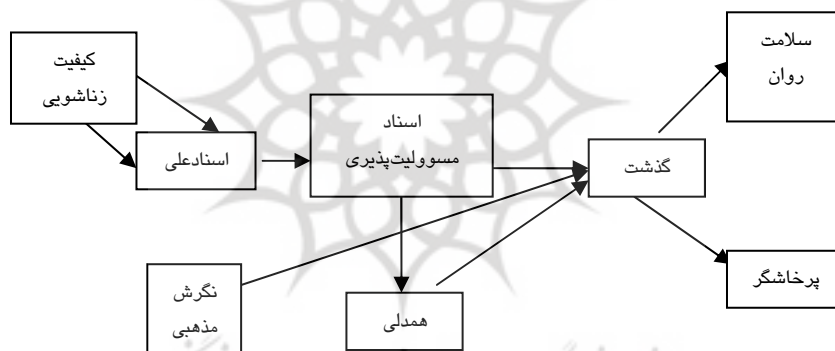
1- Lawler-Row
3- Scott
5- Edwards
7- Ouwerkerk
9- Gordon
11- Synder
13- Greenberg

2- Karremans
4- Edlis-Matityahou
6- Van Lange
8- Kluwer
10- Baucom
12- Malcolm
14- Richards

هویت^۱، لارسون^۲، کوئینیف^۳ و تئورثون^۴ (۲۰۰۰) معتقدند که گذشت با کاهش خشم، افسردگی و اضطراب (ترینر^۵، ۱۹۸۴) و افزایش احساس توانمند بودن و عزت نفس (ترینر، ۱۹۸۴) رابطه دارد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف در مورد نقش اسنادها، کیفیت رابطه زناشویی، همدلی و اعتقادات مذهبی در افزایش توانایی‌های زوجین برای بخشیدن دیگران و تأثیر گذشت بر افزایش سلامت روانی و کاهش خشم در روابط زوجین، به‌ویژه مدل نظری ارائه شده توسط فینچام و همکاران (۲۰۰۲)، یک مدل مفهومی طراحی و با استفاده از روش معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت.

شکل (۱) الگوی پیشنهادی پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج



مسئله اصلی در این پژوهش این است که آیا مدل پیشنهادی مربوط به پیشایندها و پیامدهای گذشت برانده می‌باشد؟ بر اساس مدل فرض شده، کیفیت زناشویی به صورت غیرمستقیم از طریق اسنادهای مسوولیت‌پذیری بر پیشبرد گذشت تأثیر

1- Hoyt
3- Koenigh
5- Trainer

2- Larson
4- Thoresen

دارد. همچنین اسنادهای علی به صورت غیرمستقیم از طریق اسنادهای مسوولیت‌پذیری بر گذشت تأثیر دارد. اسنادهای مسوولیت‌پذیری به صورت غیرمستقیم از طریق همدلی بر افزایش گذشت تأثیر دارد. همچنین این مدل فرض می‌کند که همدلی، نگرش‌های مذهبی و اسنادهای مسوولیت‌پذیری به صورت مستقیم بر پیشبرد گذشت تأثیر دارند. همچنین گذشت بر افزایش سلامت روان افراد و کاهش خشم آن‌ها مؤثر است.

در این پژوهش سعی شده است با توجه به نقش بسیار مهم گذشت در درمان خانواده‌ها، از طریق ارائه اطلاعات نظری و تجربی در مورد پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج‌های موفق و بادوام به درمانگران کمک کند که بدانند گذشت چگونه در زندگی زناشویی روزمره و یا درمان کاربرد دارد. در مشاوره‌ی زناشویی که زوجین باعث رنجش یکدیگر شده‌اند، آموزش گذشت و جبران می‌تواند به شکستن الگوهای تکراری و مخرب تعامل‌هایی که تداوم‌بخش تنش زناشویی است، کمک زیادی کند.

پیشنهاد یک مدل جامع از پیشایندها و پیامدهای مهم گذشت در جهت شناخت بهتر و کامل‌تر مفهوم گذشت هدف اصلی این پژوهش می‌باشد. بدیهی است که با شناخت پیشایندها و پیامدهای گذشت در توسعه مداخلاتی که هدف آن‌ها افزایش گذشت می‌باشد، کمک خواهد شد. اهداف دیگر این پژوهش عبارتند از: ۱- تعیین اثرات پیشایندهای گذشت بر گذشت و ۲- تعیین اثرات گذشت بر پیامدهای آن.

روش

طرح پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیل ماتریس کوواریانس یا همبستگی (تحلیل مدل معادلات ساختاری) است که به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم پیشایندهای گذشت و اثرات گذشت بر پیامدهای آن می‌پردازد. این مدل برآوردهایی از پارامترهای مدل (ضرایب مسیر و جملات خطا) و چند شاخص نیکویی برازش را اندازه می‌گیرد.

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری در این پژوهش کلیه‌ی والدین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر اهواز می‌باشد که در فاصله‌ی زمانی اجرای پژوهش در این شهر زندگی می‌کنند. ۴۹۲ نفر از والدین (۲۴۵ نفر مرد و ۲۴۷ نفر زن) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای از طریق فرزندان‌شان در دبیرستان‌های نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شناسایی و انتخاب شدند. ابتدا از هر یک از نواحی چهارگانه‌ی آموزش و پرورش، ۱۶ مدرسه (۸ مدرسه‌ی دخترانه و ۸ مدرسه‌ی پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از میان دانش‌آموزان این مدارس تعداد ۴۹۲ نفر را با توجه به نسبت نمونه‌برداری و به صورت تصادفی انتخاب کرده و پاکت‌های حاوی پرسشنامه‌ها را از طریق دانش‌آموزان در اختیار والدین آن‌ها قرار دادیم. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۴۲/۵۷ و ۵/۸ سال می‌باشد. طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان با میانگین ۱۹/۵۹ و انحراف استاندارد ۴/۹۸ سال می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد تحصیلات آن‌ها به ترتیب ۱۳/۰۶ و ۱/۷۲ کلاس می‌باشد.

ابزارهای اندازه‌گیری

مقیاس گذشت صفت^۱ (TFS). این مقیاس شامل ۱۰ سؤال است که تمایل پاسخ‌دهندگان به گذشت آسیب‌های بین‌فردی در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف را نشان می‌دهد. گذشت صفت، تمایل کلی فرد را در بسیاری از موقعیت‌ها و در طول زمان در نحوه‌ی پاسخ به یک آسیب در شیوه‌ای مبتنی بر گذشت کردن نشان می‌دهد. این مقیاس توسط بری^۲، وورثینگتون، اکونر^۳، پاروت^۴ و وات (۲۰۰۵) ساخته شده است. نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت در پنج درجه‌ی کاملاً موافقم (۵)، کمی موافقم (۴)، نه موافقم نه مخالفم (۳)، کمی مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) می‌باشد که نمرات بالاتر،

1- Trait Forgivingness Scale
3- O'Coner

2- Berry
4- Parrott

گذشت بیشتر را نشان می‌دهد. بری و همکاران (۲۰۰۵) در چهار پژوهش متوالی برای زوجین از این مقیاس استفاده کردند. آن‌ها پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در پژوهش‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۸، ۰/۷۹ و ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ محاسبه گردید. بری و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش‌های خود اعتبار این مقیاس را با استفاده از رابطه‌ی بین درجه‌بندی گذشت خود و گذشت دیگران محاسبه کردند که در سطح رضایت‌بخشی معنادار بود. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار سازه‌ی این مقیاس با استفاده از مقیاس گذشت خانواده^۱ (FFS) ۰/۶۳ می‌باشد که در سطح ($P < 0/001$) معنی‌دار می‌باشد.

مقیاس اسناد ارتباطی^۲ (RAM). این مقیاس به بررسی، توضیح و تبیین رفتارهای همسر اختصاص دارد و دلایل مشکلات موجود بین همسران را توضیح می‌دهد. این پرسشنامه توسط فینچام و برادبری^۳ (۱۹۹۲) تهیه شده است. فرم اصلی آن دارای ۲۴ سؤال به صورت خودگزارشی می‌باشد که دو بعد اسناد علی^۴ و مسوولیت‌پذیری^۵ را می‌سنجد (خجسته‌مهر، غفاری و کرای؛ ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر از فرم کوتاه ۶ سؤالی این مقیاس استفاده شد که ۳ سؤال آن مربوط به بعد علی و ۳ سؤال آن مربوط به بعد مسوولیت‌پذیری می‌باشد. نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت در شش درجه‌ی کاملاً موافقم (۱)، موافقم (۲)، تا حدودی موافقم (۳)، تا حدودی مخالفم (۴)، مخالفم (۵) و کاملاً مخالفم (۶) می‌باشد. فینچام و پالیری و رگالیا (۲۰۰۲) پایایی فرم کوتاه شش سؤالی این پرسشنامه را با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای بعد علی و مسوولیت‌پذیری به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۸ و برای مردان و ۰/۸۴ و ۰/۸۵ برای زنان گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از

1- Family Forgiveness Scale
3- Bradbury
5- Responsibility attribution

2- Relationship Attribution Measurement
4- causal attribution

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز

سال چهارم شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸

روش آلفای کرونباخ برای بعد علی و بعد مسوولیت‌پذیری به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۸۳ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار سازه این مقیاس با استفاده از ۱۰ سؤال مربوط به خرده‌مقیاس ارتباطات در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ (ENRICH) برای بعد علی و بعد مسوولیت‌پذیری به ترتیب ۰/۴۲۲ و ۰/۵۸۹ می‌باشد که در سطح $P < 0/001$ معنی‌دار می‌باشند.

پرسشنامه کیفیت زناشویی^۲ (QMI). این پرسشنامه در سال ۱۹۸۳ توسط نورتون^۳ ساخته شده است. این پرسشنامه یک ابزار شش سؤالی است که کیفیت زناشویی را با به‌کارگیری عبارتهای کلی (مانند ما یک ازدواج خوب داریم) می‌سنجد. آزمودنی درجه‌ی موافقت خود را در پنج سؤال پرسشنامه در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) نشان می‌دهد. در سؤال ششم که یک سؤال کلی است آزمودنی درجه‌ی موافقت خود را در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۱۰ (کاملاً موافق) ابراز می‌کند. فینچام، پالیری و رگالیا (۲۰۰۲) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ برای هر دو گروه زنان و مردان گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه گردید. همچنین ضریب اعتبار سازه‌ی این مقیاس با استفاده از ۱۰ سؤال مربوط به متغیر رضایت زناشویی در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) ۰/۷۷ می‌باشد که در سطح $(P < 0/001)$ معنی‌دار می‌باشد.

مقیاس صفات همدلی باتسون^۴ (BEA). مقیاس ۸ ماده‌ای صفات همدلی باتسون (BEA) توسط باتسون^۵، اکویین^۶، فولتز^۷، واندرپلاز^۸ و آیزن^۹، در سال ۱۹۸۳ ساخته شد.

1- Enriching and Nurturing Relationship Issue, Communication and Happiness
3- Norton
5- Batson
7- Fultz
9- Isen

2- Quality of Marriage Index
4- Batson Empathy Adjectives
6- O'Quin
8- Vanderplas

این مقیاس فهرستی از احساسات همدلانه مانند همدردی کردن و نگران بودن را در برمی‌گیرد. آزمودنی احساسات همدلانه فعلی خود را نسبت به همسر در یک درجه‌بندی بر اساس روش لیکرت در دامنه‌ای از ۱ (اصلاً) تا ۶ (خیلی شدید) نشان می‌دهد. کوک (۲۰۰۶) پایایی این پرسشنامه را با استفاده روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) در دامنه‌ای بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۲ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد. همچنین ضریب اعتبار سازی این مقیاس با استفاده از مقیاس صمیمیت^۱ (IS) (واکر^۲ و تامپسون^۳، ۱۹۸۳) ۰/۵۹ می‌باشد که در سطح ($P < 0/001$) معنی‌دار می‌باشد.

خرده‌مقیاس نگرش مذهبی پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ (ENRICH). پرسشنامه‌ی انریچ یک ابزار ۱۱۵ سؤالی و فرم دیگر از آن ۱۲۵ سؤالی است که توسط السون^۴، فورنیر^۵ و دراکن^۶ (۱۹۹۲) ساخته شده است. این پرسشنامه برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری رابطه‌ی زناشویی به کار می‌رود و شامل ۱۴ خرده‌مقیاس می‌باشد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری نگرش مذهبی (متغیر اصلی)، رضایت زناشویی و ارتباطات (جهت اعتباریابی ابزارهای دیگر) از سه خرده-مقیاس مذکور این پرسشنامه استفاده شده است. نمره‌گذاری سؤالات به صورت ۰ (کاملاً مخالفم)، ۱ (مخالفم)، ۲ (نظری ندارم)، ۳ (موافقم) و ۴ (کاملاً موافقم) است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این خرده‌مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ محاسبه شد. همچنین ضریب اعتبار سازی این خرده‌مقیاس با خرده‌مقیاس رضایت زناشویی ۰/۵۳ است که در سطح $0/001$ معنی‌دار می‌باشد.

1- Intimacy Scale

3- Thompson

5- Fournier

7

- General Health Questioner

2- Walker

4- Olson

6- Druckman

پرسشنامه سلامت روانی عمومی^۱ (GHQ). برای سنجش سلامت روانی از پرسشنامه‌ی سلامت عمومی (GHQ-۲۸)؛ (گلدبرگ^۲ و هیلر^۳، ۱۹۷۹) استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۲۸ پرسش و چهار خرده‌مقیاس است. این پرسشنامه که از شناخته شده‌ترین ابزارهای غربالگری است، به صورت فرم‌های ۶۰، ۳۰، ۲۸ و ۱۲ ماده‌ای طراحی شده است. در پژوهش حاضر فرم ۲۸ ماده‌ای پرسشنامه سلامت عمومی که کاربرد گسترده‌ای دارد، مورد استفاده قرار گرفته است. از لحاظ پاسخگویی به پرسش‌ها، آزمودنی باید با توجه به وضعیت سلامت خود از یک ماه گذشته تا زمان حال، با استفاده از یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (۱، ۲، ۳ و ۴) به پرسشنامه پاسخ دهد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه سلامت عمومی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

خرده‌مقیاس پرخاشگری فهرست تجدید نظر شده‌ی علائم روانی^۴ SCL-۹۰-R. برای سنجش پرخاشگری از ۶ سؤال مربوط به بعد پرخاشگری از فهرست تجدید نظر شده‌ی علائم روانی SCL-۹۰-R استفاده شد. این پرسشنامه در سال ۱۹۷۳ به وسیله‌ی دراگوتیس^۵، لیپمن^۶ و کووی^۷ تهیه گردید. دراگوتیس، مارو^۸، فیتینگ^۹ و هالند^{۱۰} (۱۹۸۴) این پرسشنامه را مورد تجدیدنظر قرار دادند و فرم نهایی آن را با نام فهرست تجدیدنظر شده‌ی علائم روانی SCL-۹۰-R تهیه نمودند. این فهرست شامل ۹۰ سؤال است که در یک طیف پنج درجه‌ای به صورت ۱ (هیچ)، ۲ (کمی)، ۳ (تاحدی)، ۴ (زیاد) و ۵ (خیلی زیاد) اندازه‌گیری می‌شود. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد که در سطح بسیار خوبی می‌باشد.

1- General Health Questioner
3- Hiller
5- Deragotis
7- Covey
9- Fetting

2- Goldberg
4- Symptom Checklist 90- Revised
6- Lipman
8- Marrow
10- Halland

یافته‌ها

الف - یافته‌های توصیفی

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
گذشت	۳۷/۱۹	۷/۷۳
کیفیت زناشویی	۳۸/۹۹	۷/۵۷
همدلی	۳۹/۳۲	۷/۰۲
اسناد علی	۱۱/۷۳	۳/۵۳
اسناد مسوولیت‌پذیری	۱۴/۴۶	۳/۵۳
نگرش مذهبی	۲۹/۱۹	۶/۰۴
پرخاشگری	۱۱	۳/۸۰
سلامت روانی	۸۸/۴۰	۱۱/۴۰

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در متغیر گذشت به ترتیب ۳۷/۱۹ و ۷/۷۳ می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در سایر متغیرها نیز مشاهده می‌شود.

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای مختلف پژوهش را نشان می‌دهد.

- فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز
 سال چهارم شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸

جدول (۲) ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در کل آزمودنی‌ها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱ گذشت	-	۰/۵۹۰	۰/۴۹۸	۰/۲۷۵	۰/۵۱۸	۰/۴۵۱	-۰/۴۰۸	۰/۴۷۲
۲ کیفیت زناشویی	-	-	۰/۵۹۶	۰/۲۹۴	۰/۶۰۳	۰/۵۴۰	-۰/۴۱۳	۰/۴۵۸
۳ همدلی	-	-	-	۰/۱۸۲	۰/۳۸۶	۰/۴۹۲	-۰/۳۱۴	۰/۳۳۴
۴ اسناد علی	-	-	-	-	۰/۴۹۰	۰/۲۱۸	-۰/۲۱۲	۰/۲۱۲
۵ اسناد مسوولیت‌پذیری	-	-	-	-	-	۰/۴۵۱	-۰/۳۴۴	۰/۳۹۱
۶ نگرش مذهبی	-	-	-	-	-	-	-۰/۳۶۹	۰/۳۳۴
۷ پرخاشگری	-	-	-	-	-	-	-	-۰/۵۱۶
۸ سلامت روانی	-	-	-	-	-	-	-	-

همه‌ی ضرایب همبستگی ذکر شده بین متغیرها در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار می‌باشند.

ب - یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش و ارزیابی مدل پیشنهادی

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد در پژوهش حاضر با توجه به مطالعات گذشته، برای پیش‌بینی‌ها و پیامدهای گذشت یک مدل مفهومی پیشنهاد شد. به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، بخش ساختاری الگو با استفاده از الگویابی معادلات ساختاری^۱ (SEM) با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد گردید. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS ویرایش ۱۴ و AMOS ویرایش ۷ انجام گرفت. در الگوی پیشنهادی از مجموع ۸ متغیر مورد بررسی ۵ متغیر به عنوان پیش‌بینی‌های گذشت و ۲ متغیر به عنوان پیامدهای گذشت قرار گرفته‌اند. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی

1- Structural Equation Modeling

الگوی اصلی مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این که مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش نسبتاً خوب الگوی اولیه با داده‌ها بودند، ولی نتایج نشان می‌دادند که الگوی اصلی نیاز به بهبود دارد. در گام، بعد ارتقای برازندگی الگوی اصلی از طریق اضافه نمودن مسیرهای جدید (الگوی نهایی) انجام گرفت. با اضافه نمودن این مسیرها تناسب مدل به صورت معناداری افزایش یافت.

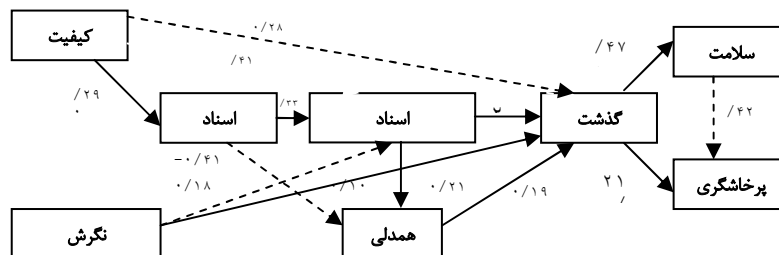
جدول (۳) برازش الگوهای پیشنهادی و نهایی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	
۰/۱۴	۰/۸۷۴	۰/۸۸۶	۰/۸۰۰	۰/۸۸۷	۰/۸۲۴	۰/۹۲۲	۸/۹۲	۱۶	۱۴۲/۷۲	الگوی پیشنهادی
۰/۰۸	۰/۹۵۴	۰/۹۶۵	۰/۹۲۴	۰/۹۶۵	۰/۹۱۵	۰/۹۶۹	۴	۱۳	۵۲/۰۹	الگوی نهایی

همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، با توجه به شاخص‌های برازندگی به ویژه مجذور کای (χ^2) برابر ۵۲/۰۹، نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی برابر ۴، شاخص نیکویی برازش^۱ برابر ۰/۹۶۹، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته^۲ برابر ۰/۹۱۵، شاخص برازندگی مقایسه‌ای^۳ برابر ۰/۹۶۵، ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات^۴ برابر ۰/۰۸، شاخص برازندگی افزایشی^۵ برابر ۰/۹۶۵ و شاخص برازش هنجار شده^۶ برابر ۰/۹۵۴ مدل ساختاری از برازندگی خوبی برخوردار است و همه‌ی روابط ساختاری موجود در مدل در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد.

1- Goodness of Fit Index
 3- Comparative Fit Index
 5- Incremental Fit Index

2- Adjusted Goodness of Fit Index
 4- Root Mean Squared Error of Approximation
 6- Normalized Fit Index



شکل (۲) الگوی نهایی (به همراه مسیرهای جدید) پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج

همان‌گونه که در مدل نهایی مشاهده می‌شود، کیفیت زناشویی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی با اسناد مسوولیت‌پذیری رابطه دارد. همچنین کیفیت زناشویی به صورت غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی با همدلی رابطه دارد. کیفیت مثبت زناشویی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق اسنادهای علی و مسوولیت‌پذیری باعث افزایش گذشت می‌شود. اسنادهای علی نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق اسنادهای مسوولیت و همدلی موجب ارتقای گذشت می‌شود. اسنادهای مسوولیت نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه‌ی همدلی باعث افزایش گذشت می‌شود. همدلی نیز به صورت مستقیم باعث افزایش گذشت می‌شود. نگرش‌های مذهبی نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق اسنادهای مسوولیت باعث ارتقای گذشت می‌شود. گذشت نیز باعث افزایش سلامت روانی و کاهش پرخاشگری در میان همسران می‌شود (مسیرهای جدید به صورت خط‌چین آمده است).

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد هدف پژوهش حاضر، پیشنهاد یک مدل جامع از پیشایندها و پیامدهای مهم گذشت در جهت شناخت بهتر و کامل‌تر مفهوم گذشت می‌باشد. از

روش الگویابی معادلات ساختاری (SEM) برای ارزیابی مدل پیشنهادی استفاده شد. نتایج حاکی از برازش خوب الگوی نهایی با داده‌های مشاهده شده بودند.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر مستقیم اسناد مسوولیت‌پذیری بر گذشت هماهنگ با مطالعات مک‌کلوگ، راشل و همکاران (۱۹۹۸)؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸)؛ مک‌کلوگ، فینچام و تی‌سانگ (۲۰۰۳)؛ فینچام، هال و بیچ (۲۰۰۵)؛ و فینچام، پالیری و رگالیا (۲۰۰۲) می‌باشد. باکوم، سایرز^۱ و دوهر^۲ (۱۹۸۷) معتقدند فعالیت اسنادی، بیشتر زمانی فرا خوانده می‌شود که رفتار طرف مقابل (همسر) مهم و خصمانه جلوه نماید. اسناد کردن و توجیه در رابطه‌ی زناشویی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. اگر زوجی از یک حادثه منفی توجیه مثبت داشته باشد، به احساس بهتر او نسبت به شریک خود کمک می‌کند. بنابراین می‌توان اظهار کرد همسرانی که در مورد مسوولیت اعمال شریک خود نگرش‌های بهتری دارند، گذشت بیشتری را در روابط خود نشان می‌دهند. آن‌ها در هنگام بروز آسیب از سوی همسر خود، رفتار اشتباه وی را غیرعمدی، غیرخودخواهانه و بدون تقصیر جلوه می‌دهند و بدین ترتیب نگرش مثبت و سازنده‌تری را اعمال می‌کنند که در نهایت باعث پیشبرد گذشت در روابط زناشویی می‌شود.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر مستقیم همدلی بر گذشت هماهنگ با مطالعات مک‌کلوگ، و همکاران (۱۹۹۷)؛ مک‌کلوگ، راشل و همکاران (۱۹۹۸)؛ فینچام و همکاران (۲۰۰۲)؛ و زچ‌میستر و رومرو (۲۰۰۲) می‌باشد. برای تسهیل فرآیند گذشت، عامل همدلی بسیار ضروری است. همدلی همسر نسبت به شریک خود باعث می‌شود که فرد خاطی از سرزنش کردن خویش رهایی یابد و مسوولیت عمل خود را بپذیرد. در جریان فرآیند گذشت، فرد آسیب‌دیده با نگرش پشیمانی از سوی فرد خاطی مواجه شده، احساسات و نگرش‌های او را درک کرده و سعی در همانندشدن یا شریک شدن

1- Sayers

2- Duher

در احساسات وی را دارد. اگر آسیب‌رسان همچنان به آسیب خود ادامه دهد، در آن صورت گذشت کردن بسیار سخت اتفاق می‌افتد. چرا که منظور از همدلی کردن سعی در شناختن موقعیت‌ها یا شرایط هیجانی دیگران و همراه شدن در آن موقعیت یا هیجان است.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر مستقیم نگرش مذهبی همسر بر گذشت هماهنگ با مطالعات گورساچ و هائو (۱۹۹۳)؛ شفیلد (۲۰۰۳)؛ باتسون و شوالب (۲۰۰۶)؛ و دولاهایت، مارکس و گودمن (۲۰۰۴) و تأکید ادیان و آئین‌های مختلف از جمله دین هدایت‌گر اسلام می‌باشد. در نتیجه‌ی پیوند فرد با معبود خود و با توجه به صفت بخشنده برای خداوند به عنوان تنها حقیقتی که می‌تواند بی‌نهایت گذشت داشته باشد و همچنین توجه به تأکید خداوند بر اعمالی مانند گذشت و اینکه هر انسانی که نسبت به فرد دیگر یا حتی نسبت به خدا عمل اشتباهی را انجام دهد، مورد بخشش خداوند قرار می‌گیرد و نگاه ویژه‌ای که ادیان مختلف نسبت به مسائل خانواده دارند می‌تواند بر افزایش گذشت تأثیر داشته باشد. همسرانی که نگرش‌های مذهبی پایدارتری دارند، نگرش‌های بهتر و مثبت‌تری در مورد عدم بروز رفتارهای انتقام‌آمیز و نشان دادن رفتارهای پسندیده و نیک از جمله گذشت نسبت به شریک خود دارند.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر مستقیم کیفیت زناشویی بر گذشت هماهنگ با مطالعات فینچام و بیچ (۲۰۰۷)؛ پالیری و همکاران (۲۰۰۵)؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸)؛ وورثینگتون و وات (۱۹۹۹)؛ خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۶) و برخلاف نتایج فینچام و همکاران (۲۰۰۲) می‌باشد. کیفیت زناشویی به واسطه‌ی حضور یا عدم حضور نسبی عوامل مثبت و منفی تعریف می‌شود (برادبوری، فینچام و بیچ، ۲۰۰۰). برای بررسی کیفیت رابطه‌ی زناشویی می‌توان با نگاه کردن به احساسات فرد در رابطه (مانند قضاوت در مورد شادی و خشنودی فرد در رابطه) یا نگاه کردن به خود رابطه (مانند بررسی الگوهای تعامل، میزان و نوع تعارض) آن را

مشخص کرد (گلن^۱، ۱۹۹۸). نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، همسرانی که از کیفیت بالاتری در رابطه‌ی زناشویی خود برخوردار هستند، گذشت بیشتری را نشان می‌دهند. می‌توان اظهار کرد؛ مصالحه و آشتی که حاصل گذشت است می‌تواند بر افزایش کیفیت رابطه‌ی زناشویی بیفزاید. بنابراین همسران با احتمال بیشتری گذشت خواهند کرد.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر غیرمستقیم اسناد علی همسر بر گذشت آن‌ها از طریق تأثیر بر اسناد مسؤلیت‌پذیری هماهنگ با مطالعات فینچام (۲۰۰۰)؛ مک‌کلوگ، راشل و همکاران (۱۹۹۸)؛ فینچام و همکاران (۲۰۰۲) و مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸) اشاره کرد. بنابراین تأثیر اسناد علی می‌تواند منجر به این فرایند شود که شریک خود را از وضعیت جایگاه مهار درونی در قبال مشکل پیش‌آمده، ثبات و پایداری رفتار نامناسب و تعمیم رفتار به همه‌ی شرایط و موقعیت‌ها رهایی بخشد و در مورد مسؤلیت اعمال شریک خود نگرش‌های بهتری داشته باشد. همان‌گونه که در قبل ذکر شد همسران در هنگام بروز آسیب از سوی همسر خود، رفتار اشتباه وی را غیرعمدی، غیرخودخواهانه و بدون تقصیر جلوه می‌دهند و بدین ترتیب نگرش مثبت و سازنده‌تری را اعمال می‌کنند که در نهایت باعث پیشبرد گذشت در روابط زناشویی می‌شود.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر غیرمستقیم کیفیت زناشویی بر گذشت آن‌ها از طریق تأثیر بر اسناد مسؤلیت‌پذیری هماهنگ با مطالعات فینچام و همکاران (۲۰۰۲)؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸) اشاره کرد. کیفیت زناشویی مثبت می‌تواند باعث کاهش تعارضات و اختلافات شده و باعث ایجاد اسناد مسوولانه شود. اثر غیر مستقیم کیفیت زناشویی بر گذشت از طریق اسناد مسؤلیت‌پذیری حاکی از این واقعیت است که زوجین دارای روابط صمیمانه و رضایت‌بخش نسبت به زوجینی که

1- Glenn

درگیر روابط ناراحت‌کننده و ناراضی هستند اسناد مسوولانه‌ی کمتری را برای رفتارهای منفی همسر خود در نظر می‌گیرند و این خود باعث ارتقای گذشت در روابط آن‌ها می‌شود.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر غیرمستقیم اسناد مسوولیت‌پذیری بر گذشت آن‌ها از طریق تأثیر بر همدلی هماهنگ با مطالعات فینچام و همکاران (۲۰۰۲)؛ مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸)؛ مک‌کلوگ، راشل و همکاران (۱۹۹۸)؛ اشاره کرد. موقعیت‌های همدلانه‌ی عاطفی، رفتارهای یاورانه را وساطت می‌کند (باتسون، فولتز و اسچونراد^۱، ۱۹۸۷) یا موقعیت‌های همدلانه‌ی شناختی، الگوهای اسنادی رفتار را تغییر می‌دهند (گولد^۲ و سیگنال^۳، ۱۹۷۷). بنابراین اسناد مسوولانه‌ی ملایم برای رفتارهای منفی شریک می‌تواند از عواطف منفی فرد کاسته و موجب افزایش عواطف مثبت از جمله همدلی نسبت به آسیب‌رسان شود. بنابراین می‌توان اظهار کرد همسرانی که کمتر اسناد مسوولانه‌تری دارند، تمایل بیشتری دارند تا با همسر خود همدلی کنند و افزایش همدلی باعث افزایش گذشت در رابطه خواهد شد.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر غیرمستقیم اسناد علی بر گذشت از طریق تأثیر بر همدلی تأیید نشد که هماهنگ با مطالعات مک‌کلوگ، اکسلاین و بامیستر (۱۹۹۸)؛ وورثینگتون و وات (۱۹۹۹) نمی‌باشد ولی مشابه با نتایج فینچام و همکاران (۲۰۰۲) بود. به‌نظر می‌رسد اسناد علی نمی‌تواند در توانایی فرد برای درک و هماهنگ شدن با عواطف مثبت و منفی دیگران تأثیر داشته باشند. بنابراین اسناد علی نمی‌تواند منجر به این فرایند شود که همسران با شریک خود احساس صمیمیت کرده و بتوانند همدلی بیشتری را نشان دهند و در نهایت به ارتقای گذشت منجر شود.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر غیرمستقیم نگرش مذهبی همسر بر

1- Schoenrade
3- Sigall

2- Gould

گذشت آن‌ها از طریق تأثیر بر اسناد مسؤولیت‌پذیری تأیید شد. پژوهش‌های زیادی در مورد نقش نگرش مذهبی در گذشت وجود دارد که از آن جمله می‌توان به گورساج و هائو (۱۹۹۳)؛ شفیلد (۲۰۰۳)؛ باتسون و شوالب (۲۰۰۶)؛ و دولاهایت و همکاران (۲۰۰۴) اشاره کرد. نگرش‌های مذهبی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند در بروز هیجانات افراد مؤثر باشد. نگرش‌های مذهبی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند تعیین کنند که آیا فرد خشم، ترس، افسردگی، کینه و نفرت را بروز می‌دهد یا گذشت خواهد کرد. نگرش‌های مذهبی افراد با توجه به تأکید زیاد ادیان و آیین‌های مختلف بر لزوم گذشت در روابط، می‌تواند نگرش‌های مسئولانه آن‌ها را تغییر داده و آن‌ها نیز رفتارهای منفی همسرانشان را به گونه‌ای دیگر تفسیر کنند و بر خطاپذیر بودن انسان و غیرعمدی بودن خطای سرزده تأکید کرده و در نهایت گذشت بیشتری را نشان دهند.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر مستقیم گذشت همسران بر سلامت روان آن‌ها هماهنگ با مطالعات لاولر-روو و همکاران (۲۰۰۸)؛ مالکوم و گرین‌برگ (۲۰۰۰)؛ مک‌کلوگ و همکاران (۲۰۰۰)؛ کارمانز و همکاران (۲۰۰۳)؛ و سیف و بهاری (۱۳۸۲) می‌باشد. هر فردی که از سلامت روان برخوردار است برای دستیابی به اهداف خود تلاش می‌کند و در این راستا در هنگام بروز آسیب‌ها به رفتارهای دیگرپسند و مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی روی می‌آورد. از جمله‌ی این رفتارها گذشت است. گذشت مانند رفتارهای دیگری مانند یاری‌رسانی، سازگاری و فداکاری باعث می‌شود یک فرد هم به دیگران بهره برساند و هم برای خود نیز ارزش شخصی بوجود آورد. گذشت می‌تواند به بازسازی یا حفظ روابط عاطفی که برای سلامت جسمانی و روانی مفیدند کمک کند. همچنین گذشت باعث ایجاد نگرش و احساسات مثبت نسبت به فرد خاطی می‌شود که این از نشانه‌های افراد سالم است. گذشت اثرات منفی بر سلامت روان را بهبود می‌بخشد و باعث می‌شود که فرد از زندگی خود لذت بیشتری ببرد.

نتایج ارزیابی مدل ساختاری در مورد تأثیر مستقیم گذشت همسران بر کاهش پرخاشگری همسران هماهنگ با مطالعات لاولر-روو و همکاران (۲۰۰۸) مک‌کلوگ و همکاران (۲۰۰۰)؛ فینچام و بیچ (۲۰۰۲)؛ و فینچام، هال و بیچ (۲۰۰۵) می‌باشد. همسرانی که در پی بهبود زندگی خود هستند در هتنگام بروز مشکلات از جانب شریک‌شان گذشت بیشتری را نشان می‌دهند و از رفتارهای خصومت‌آمیز همراه با توهین یا صدمه زدن به شریک‌شان پرهیز می‌کنند. افراد در هنگام بروز آسیب‌ها ممکن است نسبت به شریک‌شان کینه پیدا کنند و این کینه ممکن است به بروز رفتارهای پرخاشگرانه منتهی شود. بنابراین با توجه به تأیید اثر گذشت بر پرخاشگری همسر می‌توان گفت که گذشت می‌تواند به توقف نمودن پاسخ‌های خصمانه‌ی آشکار و پنهان علیه شریک مفید باشد. همچنین می‌توان بیان کرد که گذشت باعث کنترل تکانه‌های خصمانه و غلبه تدریجی بر نفرت و کینه می‌شود. گذشت می‌تواند به کاهش عواطف تضعیف‌کننده مانند خصومت، تلخ‌کامی و نفرت کمک کند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود که مهم‌ترین آن‌ها به روابط ساختاری بین متغیرها مربوط می‌شود. اگر چه داده‌های این پژوهش با الگوی ساختاری آزمون شده هماهنگ هستند، ولی کاربرد آن‌ها در روابط علت و معلولی باید با احتیاط صورت گیرد. محدودیت دیگر این است که با توجه به این‌که داده‌های این پژوهش به صورت غیرمستقیم و از طریق فرزندان آن‌ها جمع‌آوری شد پاسخگویی آنان در محیط خانواده و در حضور همسرشان می‌تواند بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد. در نهایت این‌که با توجه به انجام پژوهش در جامعه شهر اهواز تعمیم نتایج به جوامع دیگر باید با احتیاط و با توجه به ملاحظات فرهنگی مختلف صورت گیرد. در پایان پژوهش حاضر با توجه به نتایج به‌دست آمده از مدل تأیید شده و روابط به‌دست آمده بین متغیرها پیشنهادهایی برای پژوهشگران، درمانگران و مشاوران ارائه می‌شود که امید می‌رود شاهد تحول در نگرش و دیدگاه‌های موجود در زمینه خانواده و درمان و آموزش آن‌ها باشیم. انجام پژوهش‌های بیشتر در مورد متغیرهای مهمی مانند گذشت، اسناد علی و مسوولیت و

همدلی که به نظر می‌رسد می‌توانند در روابط اعضای خانواده تأثیرگذار باشد، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود. در آخر اینکه با توجه به افزایش مشکلات خانوادگی و آمار بالای طلاق در جامعه‌ی ما و نقش مهم گذشت در حل این مشکلات، برگزاری دوره‌های مختلف آموزش گذشت برای زوجین ضروری می‌باشد.

تاریخ دریافت نسخه‌ی اولیه‌ی مقاله: ۸۷/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت نسخه‌ی نهایی مقاله: ۸۸/۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۷



References

منابع

- خجسته‌مهر، رضا؛ غفاری، نسرين و کرایبی، امین (۱۳۸۶). پایایی سنجی و اعتباریابی مقیاس اسناد ارتباطی (RAM) در زنان متقاضی طلاق و عادی، چاپ نشده.
- خجسته‌مهر، رضا؛ عباس‌پور، ذبیح‌اله و رجیبی، غلامرضا (۱۳۸۶). مقایسه پیوستگی، انطباق-پذیری، سطح ارتباطات و رضایت زناشویی در کارکنان متأهل باگذشت و بدون گذشت اداره‌های دولتی شهر اهواز، چاپ نشده.
- سیف، سوسن و بهاری فرشاد (۱۳۸۲). رابطه‌ی بخشودگی و سلامت روانی همسران. مطالعات روان-شناختی، شماره‌ی ۱. صص ۹-۱۷.
- Batson, C. D., Fultz, J., & Schoenrade, P. A. (1987). Distress and Empathy: Two Qualitatively Distinct Vicarious Emotions with Different Motivational Consequences, *Journal of Personality*, 55, 19-39.
- Batson, C. D., O'Quin, K., Fultz, J., Vanderplas, M., & Isen, A. (1983). Self-reported Distress and Empathy and Egoistic Versus Altruistic Motivation for Helping, *Journal of Personality and Social Psychology*, 45, 706-718.
- Batson, M.D. & Shwalb, D.W. (2006). Forgiveness and Religious Faith in Roman Catholic Married Couples, *Pastoral Psychol.* 55, 119-129
- Baucum, D.H., Sayers, S.L. & Duher, A. (1987). Attributional Style and Attributional Patterns among Married Couples, *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, 596-607.
- Berry, J.W., Worthington, E.L., Jr., O'Connor, L.E., Parrott, L., 111, & Wade, N.G. (2005). Forgiveness, Vengeful Rumination, and Affective Traits, *Journal of Personality*, 73(1), 183 -225.
- Boon, S.D. & Sulsky, L.M. (1997). Attributions of Blame and Forgiveness in Romantic Relationships: A Policy Capturing Study, *Journal of Social Behavior and Personality*, 12 (1), 19-44.
- Bradbury, T.N., Fincham, F.D. & Beach, S.R.H. (2000). Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review, *Journal of Marriage and the Family*, 62, 964-980.

- Cooke, K.I. (2006). Models of Forgiveness and Adult Romantic Attachment in Ended Relationships: Forgiveness Over Time, *A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science at Virginia Commonwealth University*.
- Deragotis, L.R., Marrow, J.A., Fetting, J.A., & Halland, J. (1984). The SCL 90-R, as a Psychiatric Screening Measure in a Cancer Population, *American Journal Epidem.*
- Dollahite, D.C., Marks, L.D., & Goodman, M. (2004). Families and Religious Beliefs, Practices, and Communities: Linkages in a Diverse and Dynamic Cultural Context. In M.J. Coleman & L.H. Ganong (Eds.), *Springer Pastoral Psychol* (2006) 55:119-129 129. *The handbook of contemporary Families: Considering the Past, Contemplating the Future* (Pp. 411-431). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Enright, R.D. & the Human Development Study Group (1994). Piaget on the Moral Development of Forgiveness: Identity or Reciprocity? *Human Development*, 37, 63-80.
- Fincham, F.D., & Bradbury, T.N. (1992). Assessing Attribution in Marriage: The Relationship Attribution Measure, *Journal of Personality and Social Psychology*, 64 (3), 449-452.
- Fincham, F.D. (2000). The Kiss of Porcupines: From Attributing Responsibility for Forgiving, *Personal Relationships*, 7, 1-23.
- Fincham, F.D., Paleari, G., & Regalia, C. (2002). Forgiveness in Marriage: The Role of Relationship Quality, Attributions, and Empathy, *Personal Relationships*, 9, 27-37.
- Fincham, F.D., Hall, J.H., & Beach, S.R.H. (2005). "Til lack of Forgiveness Doth Us Part": Forgiveness in Marriage. In E.L. Worthington, Jr. (Ed.), *Handbook of Forgiveness* (pp. 207-226). New York: Brunner-Rutledge.
- Fincham, F.D., & Beach, S.R.H. (2007). Forgiveness and Marital Quality: Precursor or Consequence in Well-Established Relationships? *The Journal of Positive Psychology*, 92, 260-268.
- Glenn, N.D. (1998). The Course of Marital Success and Failure in Five American 10-year Marriage Cohorts, *Journal of Marriage and the Family*, 60, 569-576.

- Gould, R., & Sigall, H. (1977). The Effect of Empathy and Outcome on Attribution: An Examination of the Divergent-Perspectives Hypothesis, *Journal of Experimental Social Psychology*, 13, 480-491.
- Goldberg, D.P., Hiller, V.F. (1979). A Scaled Version of the General Health Questionnaire, *Psychological Medicine*, 9, 139- 145.
- Gonzales, M.H.; Haugen, J.A; & Manning, D.J. (1994). Victims as "Narrative Critics" Factors Influencing Rejoinders and Evaluative Responses to Offender's Accounts, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20(6), 691-704.
- Gordon, K.C., Baucom, D.H., & Snyder, D.K. (2000). The Use of Forgiveness in Marital Therapy. In M. McCullough, K.I. Pargament, & C.E. Thoresen (Eds.), *Forgiveness: Theory, Research, and Practice* (Pp. 203-227), New York: Guilford Press.
- Gorsuch, R.L., & Hao, J.Y. (1993). Forgiveness: An Exploratory Factor Analysis and Its Relationships to Religious Variables, *Review of Religious Research*, 34, 333-347.
- Karremans, J.C., Van Lange, P.A.M., Ouwerkerk, J.W. & Kluwer, E.S. (2003). When Forgiving Enhances Psychological Wellbeing: The Role of Interpersonal Commitment, *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 1011-1026.
- Lawler-Row, K.A., Karremans, J.C., Scott, C., Edlis-Matityahou, M., & Edwards, L. (2008). Forgiveness, Physiological Reactivity and Health: The Role of Anger, *International Journal of Psychophysiology*, 68, 51-58.
- Malcolm, W.M., & Greenberg, L.S. (2000). Forgiveness as a Process of Change in Individual Psychotherapy, In M.E. McCullough, K.I. Pargament, & C.E. Thoresen (Eds.), *Forgiveness: Theory, research, and Practice* (Pp. 179-202). New York: Guilford Press.
- McCullough, M.E., Worthington, E.L., Jr., & Rachal, K.C. (1997). Interpersonal Forgiving in Close Relationships, *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 321-336.
- McCullough, M.E., Exline, J.H. & Baumeister, R.F. (1998). An Annotated Bibliography of Research on Forgiveness and Related Concepts,

Psychological Research and Theological Speculations, Philadelphia: The Templeton Foundation Press.

- McCullough, M.E., Rachal, K.C., Sandage, S.J., Worthington, E.L., Jr., Brown, S.W. & Hight, T.L. (1998). Interpersonal Forgiving on Close Relationships: II. Theoretical Elaboration and Measurement, *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 586- 1603.
- McCullough, M.E., Hoyt, W.T., Larson, D.B., Koenigh, H.G., & Thoresen, C.E. (2000). Religious Involvement and Mortality: A Meta-analytic Review, *Health Psychology*, 19, 211-222.
- McCullough, M.E., Fincham, F.D., & Tsang, J. (2003). Forgiveness, Forbearance, and Time: The Temporal Unfolding of Transgression-related Interpersonal Motivations, *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 540-557.
- Norton, R. (1983). Measuring Marital Quality: A Critical Look at the Dependent Variable, *Journal of Marriage and the Family*, 45, 141- 151.
- Olson, D.H., Fournier, D.G., & Druckman, J.M. (1992). ENRICH: Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication, and Happiness. *Family Inventories*, Minneapolis.
- Paleari, F.G., Regalia, C., & Fincham, F.D. (2005). Marital Quality, Forgiveness, Empathy, and Rumination: A Longitudinal Analysis, *Journal of Social Behaviors and Personality*, 3, 368-378.
- Richards, N. (1988). Forgiveness, *Ethics*, 99, 77-97.
- Sheffield, J.C. (2003). An Investigation of the Relationship between Forgiveness, Religiosity, Religious Coping, and Psychological Will-being, *Unpublished Doctoral Dissertation*, Brigham young University, Provo, Utah.
- Trainer, M.F. (1984). Forgiveness: Intrinsic, Role-expected, Expedient, in the Context of Divorce. (Doctoral Dissertation, Boston University, 1984), *Dissertation Abstracts International- B*, 45, 1325.
- Worthington, E.L., Jr. (1998). An Empathy-humility-Commitment Model of Forgiveness Applied within Family Dyads, *Journal of Family therapy*, 20, 59-76.

- ▶ فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز
 - ▶ سال چهارم شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۸
-

- Worthington, E.L., Jr., & Wade, N.G. (1999). The Social Psychology of Unforgiveness and Forgiveness and Implications for Clinical Practice, *Journal of Social and Clinical Psychology, 18(4)*, 385-418.
- Worthington, E.L., Jr. (Ed.). (2005). *Handbook of Forgiveness*, New York: Brunner-Routledge.
- Zechmeister, J.S., & Romero, C. (2002). Victim and Offender Accounts of Interpersonal Conflict: Autobiographical Narratives of Forgiveness and Unforgiveness, *Journal of Personality and Social Psychology, 82*, 675-686.

